



محمد رضا اسکندری فر

www.ketab.ir



پاییز ۱۴۰۰



سرشناسه: اسکندری فر، محمدرضا، ۱۳۱۸
 عنوان نام پدیدآور: باغ رستمی / محمدرضا اسکندری فر
 مشخصات نشر: یزد: انتشارات اندیشمندان یزد، ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص رقی
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۹-۳۲۴-۹
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: Persian fiction -- 20th century
 رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۳۴
 رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۸۶۳۹
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



باغ رستمی

محمدرضا اسکندری فر

ناشر: انتشارات اندیشمندان یزد

ناظر چاپ: سید محمد موسوی

صفحه‌آرا: آتنا ماندی

طراح جلد: مهندس محمد اسکندری فر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۴-۳۲۴-۹

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۴۰۰

قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

یزد، خیابان فرخی، پاساژ ۱۱۰، طبقه همکف، انتشارات اندیشمندان یزد

شماره تماس: ۰۳۵-۳۶۲۶۹۳۳۰ - ۰۹۱۳۳۵۶۶۶۷۲

فهرت دلتان

مقدمه ۷

بخش اول

- قسمت اول: گفتگوی سید جلال بلدوستش و وقایع بعد از آن ۱۱
- قسمت دوم: رهایی امام جماعت مسجد ازندان باسگاه و ادامه داستان ۳۳
- قسمت سوم: آشنایی امیر با مینا و سرانجام ازدواج با او ۶۹
- قسمت چهارم: عاقبت کار کد خدا و ارباب ۱۰۱

بخش دوم

- قسمت اول: تاریخچه باغ رستمی ۱۱۵

داستانِ باغ رستمی واقع در یکی از دهات اطراف شهر یزد، مشتمل بر دو بخش است:

۱. بخش اول شامل چهار قسمت شرح عمده وقایع و

حوادثی است که قبل از کودتای رضاخان علیه احمد شاه، آخرین پادشاهِ نِگون بختِ سلسله قاجار، حدود صد سال قبل اتفاق افتاده و تا همین اواخر هم ادامه داشته است که بنده به نقل از بزرگان و ریش سفیدانِ محل همین طور پدر و پدربزرگ خودم شنیدم. البته برای تنوع در جاهایی که به نظر لازم بوده در حد بضاعتِ خودم، حذف و اضافه‌هایی انجام دادم. در آن روز و روزگار و سال‌های بعد از آن، در حکومت رضاخان و فرزندش محمدرضا که بگفته این بزرگواران، اربابان و مالکان بزرگ در اوج قدرت بوده، با نفوذی که در همه امور داشتند بدون توجه به رأی و نظر مردم زحمتکش در اکثر قریب به اتفاق دهات و روستاها و حتی شهرهای دور افتاده که بعضاً ملک شخصی خودشان هم بوده نه تنها در عزل و نصب بخش دار، ده دار، کدخدا و رئیس پاسگاه ژاندارمری محل که در خیلی از امورات مهم مملکتی از جمله انتصاب و جابجایی بالاترین مقامات دولتی هم حرف آخر را آن‌ها می‌زدند؛ می‌گویم انتصاب، چرا که در آن سال‌ها نشانی از انتخابات و رأی مردم در هیچ جای مملکت بخصوص دهات و روستاها وجود نداشت. حرفش را می‌زدند اما در عمل خبری نبود. در چنین شرایطی که مردم عادی



مخصوصاً ساکنین دهات و روستاها بدون اجازه کد خدای محل که می‌دانستند جیره خوار ارباب و مورد حمایت اوست، جرأت نفس کشیدن نداشتند، اهالی این روستا که از دست ظلم و ستم و بیدادگری ارباب و دست‌نشانده‌اش کدخدا و دارودستش به تنگ آمده بودند، به پیشنهاد امام جماعت مسجد و حمایت بزرگان و ریش‌سفیدان محل به رهبری سید جلال، کاری کردند کارستون که به اهم آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

بخش دوم ادامه داستان به نقل از راوی در رابطه با بنیان‌گذار و تاریخچه این باغ بزرگ و سرانجام آن است. خب حالا بعد از این مقدمه نسبتاً طولانی که به نظر لازم هم بوده، می‌رویم سراغ اصل مطلب یعنی داستان باغ رستمی...

محمد رضا اسکندری فر

پاییز ۱۴۰۰